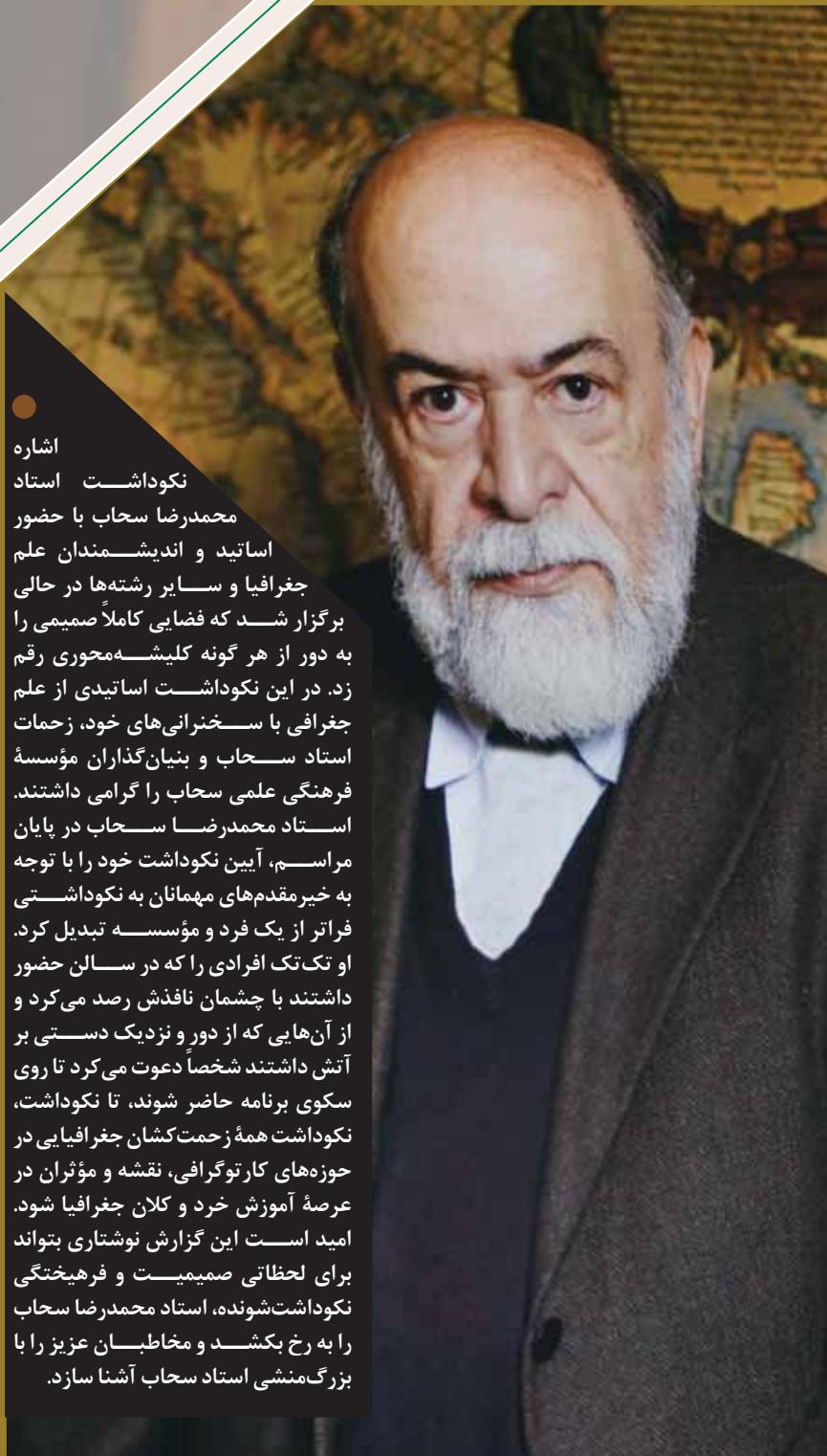


نکوداشتی در نکوداشت

آیین نکوداشت اندیشمند فرزانه،
استاد محمدرضا سحاب

Mahmood Ardoxani
گزارشگر مجلات رشد



اشاره

نکوداشت استاد محمدرضا سحاب با حضور اساتید و اندیشمندان علم جغرافیا و سایر رشته‌ها در حالی برگزار شد که فضایی کاملاً صمیمی را به دور از هر گونه کلیشه محوری رقم زد. در این نکوداشت اساتیدی از علم جغرافی با سخنرانی‌های خود، زحمات استاد سحاب و بنیان‌گذاران مؤسسه فرهنگی علمی سحاب را گرامی داشتند. استاد محمدرضا سحاب در پایان مراسم، آیین نکوداشت خود را با توجه به خیر مقدمه‌های مهمانان به نکوداشتی فراتر از یک فرد و مؤسسه تبدیل کرد. او تک تک افرادی را که در سالان حضور داشتند با چشمان نافذش رصد می‌کرد و از آن‌هایی که از دور و نزدیک دستی بر آتش داشتند شخصاً دعوت می‌کرد تا روی سکوی برنامه حاضر شوند، تا نکوداشت، نکوداشت همه زحمت‌کشان جغرافیایی در حوزه‌های کارتوگرافی، نقشه و مؤثران در عرصه آموزش خرد و کلان جغرافیا شود. امید است این گزارش نوشتاری بتواند برای لحظاتی صمیمیت و فرهیختگی نکوداشت‌شونده، استاد محمدرضا سحاب را به رخ بکشد و مخاطبان عزیز را با بزرگ‌منشی استاد سحاب آشنا سازد.

● سخنرانان آیین نکوداشت استاد محمد رضا سحاب

- دکتر مراد کاویانی را، مدیر گروه جغرافیای خانه اندیشمندان علوم انسانی؛
- دکتر محمد تقی رهنما می، استاد جغرافیای دانشگاه تهران و از پیشگامان و مدرسان گردشگری؛
- دکتر عباس سعیدی رضوانی، محقق، جغرافی دان بر جسته و استاد جغرافیا؛
- همایون امیرزاده، رئیس روابط عمومی وزارت ارشاد، که تقدیرنامه دکتر صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی را در کنار سخنرانی خود قرائت کرد؛
- استاد جمشید کیانفر، پژوهشگر، نویسنده و کارشناس ارشد تاریخ، مترجم و عضو هیئت‌علمی دانشگاه آزاد اسلامی؛
- دکتر محمود جعفری دهقی، استاد گروه فرهنگ و زبان دانشگاه تهران؛
- دکتر ناصر تکمیل همایون؛
- دکتر عباس بخشندۀ نصرت، استاد جغرافیا و پدر مطالعات کوچندگی و کوچ زیستی ایران؛
- دکتر زهرا حجازی‌زاده، استاد دانشگاه خوارزمی؛
- و سخنران پایانی آیین نکوداشت، استاد محمد رضا سحاب.

از تو می‌پرسم چیست در انجم درخشنان فلک
چیست در چینش این گوی مدور که زمینش
خوانی
چیست در سایه ابر انبوه که زند بوسه بر آن، قله کوه

چیست در نعره سیل که خروشندۀ به دریا ریزد
چیست در گرد شتابنده که از دامن صحراء خیزد
چیست در بهت و سکوت، چیست در پرده ساز ملکوت
گر شنیدی تو مناجات درختان به هنگام سحر
نیست اینها همه جز ذکر عبودیت او
همه از اوست که می‌اندیشند، همه از اوست که در رقص و قیامتند و
تعود آری آری، آفرینش همه تسبیح خداوند دل است.

و سخنرانان در ادامه برنامه‌های نکوداشت می‌گویند:

استاد محمد رضا سحاب از اینکه نام شما، پدر و پدر بزرگتان را در
کنار نام بزرگانی چون بطلمیوس، خوارزمی، میلر، مسعودی، ابوریحان
بیرونی و استخری دیدم به خود می‌باشم که این یک واقعیت انکار ناپذیر
در ایران، خاورمیانه و جهان است.

براساس آموزه‌های دینی، بزرگداشت عالم به علم برکت می‌دهد. یک
عالِم عامل مساوی است با هفتاد هزار عابد.

چو خواهی که نامت نماند نهان
مکن نام نیک بزرگان نهان
در دوره‌ای به سر می‌بریم که به عصر انفجار اطلاعات معروف است؛
دوره‌ای که لحظه به لحظه بر دامنه علم افزوده می‌شود. در چنین

سخنرانی اساتید محترم در آیین نکوداشت محمد رضا سحاب به صورت گزیده و مرتبط با نکوداشت آمده است، لذا در ارائه بخش‌هایی از بیانات سخنران به عنوان استاد اشاره شده است.

● آیین نکوداشت محمد رضا سحاب پس از بخش سرود ملی جمهوری اسلامی ایران و قرائت کلام الله مجید آغاز شد.
ابتدا مجری برنامه با دکلمه‌ای مناجات‌گونه، ورودی حماسی،
جغرافیایی و عرفانی را سرآغاز قرار می‌دهد و می‌گوید:

نکرده و نمی‌کنیم. در دنیا اگر کسی بخواهد تابعیت کشوری را بگیرد، باید تاریخ، جغرافیا و قوانین مدنی آن کشور را بداند. به همین دلیل جغرافیا یکی از مسائل مهم برای ملت‌ها و دولت‌هاست که باید به آن توجه و پژوه داشت. چهار نسل دوام اوردن برای یک مؤسسه کار کمی نیست، در حالی که محصول آن شاید مقبولیت اجتماعی هم ندارد. ارزش کار مؤسسه سحاب و استاد محمد رضا سحاب که آن را سپاه نگه داشته‌اند، چیز کمی نیست و همه ملت ایران باید قادر چنین مؤسساتی را بدانند.

مؤسسه سحاب همواره با دانشگاه همراه بوده، به گونه‌ای که این همراهی هیچ منافع مادی برای آن نداشته است. در تمام همایش‌ها و کنگره‌ها فعال بوده و بدون هیچ گونه توقع مادی حمایت می‌کرده است. من می‌دانم مهندس سحاب چه مسیر سختی را برای سپاه نگه داشتن مؤسسه پشت سر گذاشته است تا امروز ما به فعالیت‌ها وجود آن افتخار کنیم. کیفیت کار مؤسسه سحاب و مهندس سحاب نه تنها از مؤسسات همتراز بین‌المللی کمتر نیست، بلکه بیشتر است. مؤسسه سحاب با جمع‌آوری اسناد و مدارک معتبر درباره خلیج فارس، این نام را ماندگار و ابدی ساخت.

در ادامه، یکی دیگر از سخنرانان چنین گفت: فکر می‌کنم سه نفر در آنچه ما با عنوان جغرافیای مدرن می‌شناسیم نقش تعیین‌کننده داشتند: مسعود کیهان، که مجموعه سه جلدی ایران‌شناسی را با محتوای عالی منتشر کرد. دوم، رزم‌آرا که ما همیشه او را در جغرافیا دستکم می‌گیریم. یکی از کتاب‌های ایشان لرستان است که در سال ۱۳۲۰ به چاپ رسید. سومین نفر، مرحوم عباس سحاب است. این سه نفر نقش بی‌چون و چرازی در آنچه ما امروز در کلاس‌ها می‌گوییم داشتند.

جناب رهنمایی خیلی خوب بحث نقشه را مطرح کرد و درباره تأثیرگذاری آن مطالبی گفت. وی اظهار داشت که مؤسسه سحاب در ترویج علم جغرافیا نقشی بزرگ داشته و از پیشگامان بوده است، آن هم در کارهایی که اقتصادی نیستند. پدر و پسر و فامیل در آن وارد می‌شوند، کمک می‌کنند و بدون چشمداشت مادی، اسناد و مدارک و داشتهای خود را در اختیار همگان می‌گذارند.

وی در ادامه گفت: «من به عنوان کسی که در کنار خلیج فارس زندگی می‌کنم باید بگویم که ما از جعل نام خلیج فارس به نام‌های دیگر خیلی اذیت می‌شویم و آزار می‌بینیم. زمانی به دنبال صاحبان اثر در حوزه خلیج فارس بودم که متوجه شدم نام ایشان در صدر است. در واقع آنچه در بحث خلیج فارس و اسناد و نقشه‌ها وجود دارد، همه از مؤسسه سحاب ناشی شده است. امیدوارم فعالیت‌های این مؤسسه توسط نسل چهارم و خانواده ایشان ادامه باید. امروز این گونه برداشت کردم که نظام ارزش‌گذاری علم جغرافیا باید تغییر کند، چون از همیت و نشانه‌های ما می‌گوید. این حس غروری به عنوان یک خلیج فارس‌نشین در اثر تحقیقات ارزنده استاد سحاب، مؤسسه و خاندان ایشان به انسان دست می‌دهد، یقیناً در جای جای این سرزمین وجود دارد و حقانیت تاریخی و هویتی ما برای اثبات نقشه‌های جغرافیایی است.

فضایی ملت‌ها و کشورهایی شرافتمدانه خواهند زیست که بتوانند در عرصه علم بدرخشنند.

برای درخشیدن باید ابزارها و زیرساخت‌هایی فراهم باشد که به بخش حاکمیتی و فرهنگی جامعه برمی‌گردد. جامعه‌ای که برای بزرگانش عزت و احترام قائل است، حتماً به این درخشندگی خواهد رسید. دلیل قدردانی از کسی که علم را با عمل درآمیخته، آن است که برای توسعه باید حرمت بزرگان را حفظ کرد و بر خود واجب دانست. ما با بزرگداشت این افراد آن‌ها را بزرگ نمی‌کنیم، بلکه خود ما بزرگ می‌شویم.

جناب استاد سحاب، افتخار می‌کنیم که امشب در کنار شما هستیم. استاد سحاب جدا از وزارت علمی که در قالب مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب دارند، خودشان و پدرانشان مشتاً خدمات بزرگی برای کشور بوده و هستند. چنین افرادی در حوزه جغرافیا کم‌اند. بنابراین بر خود می‌بالیم که میزبان استاد سحاب هستیم.

مجری برنامه با اشاره به اینکه همیشه پشت سر موقفيت‌های علمی فرهیختگان و دانشمندان قطعاً یک همسر فداکار وجود دارد که همه وجودش سرشوار از عشق است و همراهی، از همسر استاد سحاب قادردانی و تشکر کرد.

یکی از دلایل مهم موقفيت مؤسسه سحاب و پابرجا بودن آن از سال ۱۳۱۵ تاکنون با رویکرد توسعه، تنها دانش نبوده، بلکه کارکرد و عمل بوده و فراتر از آن عشق بوده که این مؤسسه را موفق و در صدر حفظ کرده است.

در این وقت اندک نمی‌توان درباره یک مؤسسه بزرگ چون سحاب و عزیزی مانند محمد رضا سحاب جان کلام را ادا کرد، لذا تنها به موضوعاتی چند اشاره می‌شود تا کلیدی باشد برای ورود به بحث و اهمیت یک مؤسسه خصوصی، که نه بر گردن جغرافیا بلکه بر گردن تمامی آحاد این مملکت حقیقی بزرگ دارد.

سحاب، اولین مؤسسه‌ای است که کشورشناسی را از طریق نقشه یعنی دیدن، نه شنیدن و خواندن در متون، کتاب‌ها و نوشته‌ها به مردم ایران منتقل کرد. در صد سال گذشته اگر از یک اصفهانی یا خراسانی یا هالی هر استانی سؤال می‌کردیم که اهواز و اردبیل و سندج کدام هستند، نمی‌توانست در ذهن تصور کند و بداند این شهرها در کدام قسمت نقطه‌ای هستند که او قرار دارد. مؤسسه سحاب حق بزرگی بر گردن ملت ایران دارد، چرا که خانه ملت را به مردم نشان داد و به آن‌ها یاد داد که چگونه در جایی که ایستاده‌اند، بقیه نقاط و ایالت‌ها و ولایت‌ها و شهرها را تشخیص بدنهند و بدانند در کدام جهت قرار دارند. باید متذکر شد که برای نخستین بار در خانه اندیشمندان علوم انسانی مراسمی با ماهیت دوگانه برگزار می‌شود، یعنی ضمن تجلیل از یک شخص، از یک خانواده و مؤسسه‌ای تجلیل می‌شود که چهار نسل آن بیش از ۸۵ سال در جایگاه بخش خصوصی، با توجه به ضعیف بودن بخش خصوصی در اصغار مختلف بدون حمایت هیچ شخص یا ارگان دیگر دوام آورده است. کسانی که در سن و سال بندۀ هستند و با مؤسسه آشنازی دارند، می‌دانند این مؤسسه چه مسیر پر فراز و نشیبی را پشت سر گذاشته است تا بتوانند آنچه امروز هست باشد.

سحاب عضوی از خانواده جغرافیاست که دربرگیرنده تمام ایران است. ما اگر اهمیت جغرافیا را بشناسیم، باید تلاش و کوشش بیشتری نسبت به شناخت این مؤسسه انجام دهیم، هر چند کوشش زیادی

یکی
دیگر
از اساتید و
سخنرانان می‌گوید:
وقتی صحبت از سحاب
می‌شد، در قدیم یاد ابر
می‌افتدایم. اما به دستان که
رفتیم، سحاب معنای دیگری برایمان
پیدا کرد. نسل من با کتاب‌های عجیب
تاریخ و چهارفای سروکار داشتند که به قول
مرحوم آل احمد نه در کشوی میز، نه در کیف و نه
در زیر بغل دانش‌آموز جای می‌گرفت، اما به دلیل چاپ
رنگی و نقشه‌ها و تصاویر، نظر را به خود جلب می‌کرد. ما زیاد
از موضوعات آن‌ها سر درنمی‌آوردیم و بیشتر به خاطر همان رنگ
و نقشه‌ها بود که خوشمان می‌آمد. نمی‌دانستیم مفهوم نقشه چیست،
تا اینکه با مؤسسه سحاب آشنا شدم. در دوره دبیرستان، دبیرمان
می‌گفت هر جا می‌روید اول نقشه آنجا را تهیه کنید. در واقع با نوع
آموزش ایشان نقشه را یاد گرفتم. می‌گفت مسیرها را با نقشه بروید و
در این رابطه، نقشه‌های مؤسسه سحاب را به ما معرفی می‌کرد. نکته
مهمی که به ما تأکید می‌کرد، این بود که اگر می‌خواهید چهارفای یاد
بگیرید با نقشه کار کنید تا در ذهنتان بماند.
ما تمام نقشه‌هایمان را از طریق مؤسسه سحاب تهیه می‌کردیم.
برای مثال در دوره دانشجویی استاد اروپای شرقی را درس می‌داد و
می‌گفت: «باید نقشه را بکشید و بسازید. باید کوه و رود را با خمیر
درست می‌کردیم. به همین خاطر به مؤسسه سحاب مراجعه و آنجا با
مرحوم سحاب افتخار آشنای پیدا کردم. به هر حال، الفبای نقشه و
ساخت آن را از مؤسسه سحاب یاد گرفتم. بنده همواره در ذهنم این
سؤال وجود داشت که مؤسسه سحاب چگونه می‌چرخد، در حالی که
درآمد خاصی ندارد، مگر می‌شود؟ تا اینکه متوجه شدم با همین
درآمد کم و نقشه‌ها آنجا را اداره می‌کردند.

در مصاحبه‌ای از آقای سحاب خواندم زمانی که می‌خواستند کره
چهارفایی را بسازند، همه مقدمات را آماده کرده بودند، اما ساخت
آن باید در خارج ایران انجام می‌شد. خوب پول نداشتند، ثروتمند
هم نبودند. خانه‌ای که با سختی خریده بودند، در گرو بانک گذاشتند
تا بتوانند کره‌ها را بیاورند تا ما در مدارس چهارفایی را با آن بشناسیم
و بیاموزیم و بدانیم ایران در کجا این کره و جهان قرار دارد. حتی
برای چاپ نقشه اطلس خلیج فارس ناگزیر می‌شوند فرش زیر پایشان
را بفروشنند.

به راستی یک انسان چقدر باید به کارش علاقه‌مند باشد و تا چه حد
باید عاشق کارش باشد که چنین فدایکاری‌هایی بکند. یعنی در حالی
که اکثر افراد تلاششان برای کسب و به دست آوردن زندگی راحت



است، انسانی پیدا می‌شود که برای چاپ اطلس خلیج فارس فرش
زیر پایش را می‌فروشد و هزینه چاپ را تأمین می‌کند. این مؤسسه تا
امروز این گونه اداره شده است. از ۱۳۱۵ پدر با پسر ۱۵ ساله در بریانی
یک مؤسسه بزرگ همگام می‌شوند تا به تک‌تک ما ایرانیان یاد بدهند
چگونه سرزمین و زادگاهمان را بشناسیم؛ جوان ۱۵ ساله‌ای که وقتی
به دو فرنگی آدرس می‌دهد و می‌شنود که می‌گویند ایرانی‌ها به عقبه
۲۵۰ ساله خود می‌بالند، اما یک نقشه ندارند که شهر و محیطشان
را معرفی کند، همانجا تصمیم می‌گیرد این کار را انجام دهد. کوچه به

جهان‌بینی، طب و نجوم در دنیای باستان بسیار اهمیت پیدا کرد. طبیعتاً داشت جغرافیا در این میان از جمله داشتهای مورد توجه در آن زمان بوده است و براساس آنچه نقل شده، حاکمان آن دوره افرادی را می‌فرستادند تا نسبت به شناسایی اطراف ایران از جمله دریاها بپردازنند. لذا این مسئله از همان زمان مورد توجه حکما بوده که مکتب ایران شهری را ایجاد کردند. متونی به دست آمده که اشارات به امور جغرافیایی در آن‌ها مندرج است. در کتاب اوستاد رباره جغرافیای اساطیری ایران مطالب بسیار مهم و ارزشمند نقل شده است، به گونه‌ای که گاهی این جغرافیا را با جغرافیای واقعی منطبق می‌کنند. ما در دوره اسلامی شاهدیم که این متون به این دوره منتقل می‌شوند و متون با زبان‌های سانسکریت، پهلوی سریانی و یونانی به زبان عربی ترجمه شده‌اند. در واقع متون تاریخی دوره اسلامی آنکه از وجود چنین متون جغرافیایی است. از طرف دیگر، دولت‌های باستانی ما به دقت مرزهای خود را ترسیم کردند. برای مثال در دوره ساسانی، ایران را به چهار بخش تقسیم کردند و برای هر بخش متولی گذاشتند که نشان می‌دهد به تقسیمات کشوری و جغرافیایی ایران اهمیت می‌دادند. خاندان سحاب توانستند حاصل این دوره را گردآوری و با موازین امروزی به ما عرضه کنند.

در برآورده کتابخانه سحاب باید بگوییم که با زحمات زیادی نسخه‌ها را گردآوری کرده‌اند. در واقع در ازای صرف وقت و نوشتن با دست در فرسته‌های کوتاه، رحمت کشیدند و تهیه کردند که نشان‌دهنده عشق و ارادت خاندان سحاب از جمله استاد محمدرضا سحاب و همسر و فرزندان گران‌قدرشان است و به عبارتی، همه خانواده خود را وقف مبحث ایران‌شناسی و جغرافیای ایران کردند. برای آن‌ها آرزوی موقوفیت و سربرلنگی دارم و آرزو می‌کنم که نظیر این خاندان در سرزمین ما همواره افزایش یابند.

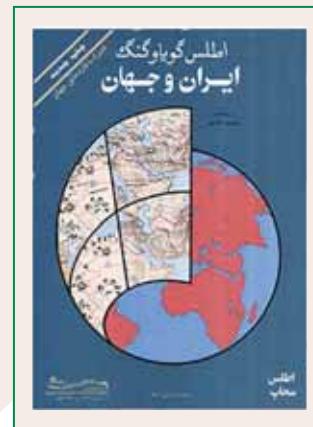
یکی از اساتید دیگر در برآورده سحاب می‌گوید، برای اولین بار است که در تاریخ خصوصاً تاریخ معاصر ایران خانواده‌ای به نام سحاب پیدا می‌شود و مؤسسه‌ای بزرگ را بنیان می‌نهد. بعد از مرحوم ابوالقاسم سحاب و بعد استاد محمدرضا سحاب، امیرعباس فرزند ایشان است که امیدوارم این راه را ادامه دهد ما به همراه ایشان نشان دهیم که دانش جغرافیا می‌تواند حیات خود را ادامه دهد و روز به روز پیشرفت کند و به استانداردهای جهانی برسد.

وی پس از توضیحاتی در برآورده تاریخ و مسافت طی شده آقامحمدخان می‌گوید اگر در آن زمان نقشه جغرافیایی درست شود می‌توانستیم دریابیم که آمد و شد آقامحمدخان براساس طی مسیر جغرافیایی صحیح است یا غلط. یعنی جغرافیا مصحح بسیاری از مسائل تاریخی است. جامعه و تاریخ ما روی هوانیست و براساس واقعیات رقم خورد. بنابراین جغرافیا می‌تواند امالمسائل موضوعات اجتماعی و تاریخی باشد که خاندان سحاب این خدمت بزرگ را به ایران و ایرانیان کرده‌اند. اگر مؤسسه سحاب (که دلم می‌خواهد بگوییم مؤسسه ملی سحاب) هیچ کاری نکرده باشد و فقط و فقط اطلس خلیج فارس را تولید کرده باشد، نامش برای همیشه در تاریخ ما زنده خواهد ماند، چه برسد به کارهای دیگری که هر یک از آن‌ها یک دنیا می‌ارزد. یکی دیگر از اساتید جغرافیا از حضور استادان و فرهیختگان که در آین

کوچه، تمام پس‌کوچه‌های تهران و اماکن دیدنی و تاریخی آن را می‌گردد و یادداشت می‌کند و برای اولین بار نقشه تهران را به زبان انگلیسی چاپ می‌کند تا برای توریست‌ها قابل استفاده باشد.

مؤسسه سحاب یکی از غنی‌ترین و مهم‌ترین مراکز کتابخانه‌ای است که نزدیک به چهل هزار جلد کتاب را در خود جای داده است و حدود ده تا پانزده درصد آن‌ها به زبان فارسی و بقیه به زبان خارجی است که نشان می‌دهد چقدر از جغرافیای جهان و از نظر منابع ضعیف هستیم. نسل اول و دوم کتاب‌ها بنیان گذارند. پدر و پسر نسل سوم و چهارم جایگزین پدر و پسر نسل اول و دوم برای اداره سحاب، وظيفة نگهداری مؤسسه را بر عهده می‌گیرند. مشهور شدن آن‌ها ساده، اما ماندن در قله سخت است. مؤسسه سحاب جزء مؤسسات فرهنگی است که به مدت ۸۴ سال در اوج باقی مانده است و نسل چهارم باید با داشت نوین، سحاب را پر جانگه دارد.

کتابخانه سحاب با ۱۸۰۰ جلد اطلس نفیس و بی‌نظیر، ۱۷۰ هزار نسخه و ۱۰۰ هزار سند جغرافیایی در این مؤسسه منحصر به فرد است. یکی دیگر از اساتید در سخنرانی خود می‌گوید که با استاد سحاب پانزده سال پیش در تفلیس آشنا شدم و آن زمانی بوده که می‌خواستیم انجمن ایران‌شناسی را ایجاد کنیم. اولین کسی که با تجارت و شهرت علمی اش توانست ما را در این کار پاری کند ایشان بود. البته بندۀ هنوز هم در آن انجمن فعالیت دارم. نکته‌ای که شاید دیگر دوستان به آن اشاره نکرده‌اند این است که تحریبه دوهزارساله در این سرزمین امروزه به دست جغرافی دانان و صاحب‌نظران این رشته و خاندان سحاب رسیده است. هزار سال پیش از اسلام در این سرزمین مکتبی با تلفیق سه تمدن بزرگ به وجود آمد که در زمینه فلسفه،



نکوداشت یکی از پیشروان ارزنده
جغرافیای ایران شرکت کردند، تشرک
و قدردانی می‌کند و می‌گوید:

جغرافیا علمی است که بدون نقشه هیچ

مفهومی ندارد و ما تا سال ۱۳۱۵ یک نقشه به درد

بخور از ایران نداشتیم، چون مؤسسه‌ای برای کارتوگرافی

وجود نداشت، تا اینکه ابوالقاسم سحاب و فرزندش عباس در

این عرصه ورود کردند و زحمات زیادی برای تهیه نقشه کشیدند

و امروز ما صاحب یک مؤسسه ارزنده بین‌المللی هستیم به نام

کارتوگرافی سحاب که در حال حاضر با همت مهندس محمد رضا

سحاب کاملاً شکل گرفته است. خوب است بدانیم که تا سال ۶۴

کارتوگرافی در ایران به صورت سنتی انجام می‌شده و از آن سال به بعد

است که نقشه‌های ارزنده در سطح بهترین نقشه‌های اروپایی در این

مؤسسه انجام شد. از این خاندان تشرک فراوان می‌کنیم و برای آن‌ها

آرزوی توفیق بیشتر داریم. بنده از نزدیک شاهد بودم که با چه زحمات

ارزنده و فراوانی نقشه‌ها را تهیه می‌کنند. در واقع آنجا بود که متوجه

شدم کارتوگرافی چقدر ارزشمند است به گونه‌ای که می‌تواند به جای

یک کتاب صحبت کند. انسان گاهی با مطالعه یک نقشه می‌تواند یک

كتاب اطلاعات به دست آورد.

در باره‌های نکوداشت یعنی باید بگوییم وقتی در سورین تحصیل می‌کردم یک

دانشجویی دکترا کانادایی رساله خود را فقط در ۱۷ نقشه جغرافیایی

ارائه کرده بود و در زمان دفاع مطالب خود را روی نقشه بیان می‌کرد.

نقشه تا این حد ارزشمند است. در علم جغرافیه، سال‌های گذشته در

تمام مقاطع جغرافیایی ایران از کارشناسی تا دکترا کارتوگرافی هم

بود، اما متأسفانه در سال‌های اخیر این واحد درسی از دوره دکترا و

ارشد حذف شده است. واقعاً متأسفم، چون می‌بینم اغلب جغرافی دانانی

که کتاب و مقاله می‌نویسند، نوشته‌هایشان خالی از نقشه است. بنده

معتقدم جغرافیا علمی است که بدون نقشه هیچ مفهومی ندارد.

استادی دیگر خیلی کوتاه در نکوداشت سحاب

می‌گوید: نکوداشت یعنی بهانه‌ای برای کنار هم

بودن، زندگی یعنی همین بهانه‌ای کوچک گذرا.

همیشه در پشت یک مرد موفق یک همسر خوب حضور

دارد. با تشرک از همسر مهندس سحاب. زندگی مان سرشار از

بهانه‌های شادی و لبخند.

در این قسمت از برنامه نکوداشت بعد از سخنرانی استادی که

گزیده‌هایی از آن‌ها آمد، نوبت به سخنرانی استاد محمد رضا سحاب

رسید.

استاد سحاب بعد از عرض سلام و تشرک می‌گوید که من لایق این

همه صحبت و لطف نیستم، کاری نکرده‌ام، یک مؤسسه‌ای بودم، بنده

هم جزئی از آن بوده‌ام، زمانی که پیشنهاد نکوداشت کردند، عرض

کردم برای مؤسسه نکوداشت بگیرید. فرق بنده با بقیه در مؤسسه این

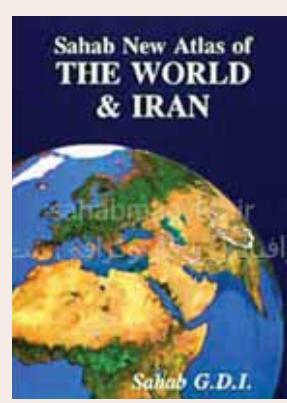
بوده که همه عمرم را اینجا گذاشتم و جز دوران سربازی که اجرای

بود، جای دیگری نرفتم.

استاد محمد رضا سحاب متواضعانه نکوداشت را نکوداشتی عمومی

می‌کند و درباره خودش اشاره می‌کند که حتی دانشگاه را شبانه

گذراندم، چون روزها در مؤسسه مسئول کارتوگرافی بودم.



برای اولین بار
است که در تاریخ
خصوصاً تاریخ معاصر
ایران خانواده‌ای به نام
سحاب پیدا می‌شود و مؤسسه‌ای
بزرگ را بنیان می‌نهد. بعد از مرحوم
ابوالقاسم سحاب و بعد استاد محمد رضا
سحاب، امیرعباس فرزند ایشان است که
امیدوارم این راه را ادامه دهد

زمانی از من می‌پرسیدند ساعت کار شما از چه ساعتی تا چه ساعتی
است، می‌گفتم از ۸ صبح تا ۸ صبح. تعطیلی نداشتیم. امروز کامپیوتر
هست، اما در گذشته یک قلم روتونش بود و یک قلم راپید. پدرم با
قلم هاشور کار می‌کرد. چیز دیگری نبود. امروز همه امکانات هست از
جی آی اس تا سایر ابزارهای پیشرفته و بهروز. ما هم کیفیت را بالا
بردهیم و عقب گرد نکردیم، خودمان را با دنیا هماهنگ کردیم. ما اولین
مؤسسه‌ای بودیم که کارتوگرافی کامپیوتری را در وسط جنگ، سال
۱۳۶۴ همان طور که دوستان فرمودند، آغاز کردیم، سختی کارها را به
جان خریدیم و هنوز هم با عشق کارمان را ادامه می‌دهیم، نه با نگاه
اقتصادی.

استاد سحاب در صحبت‌های پایانی خود می‌گوید: «وقتی یک نقشه
ما چاپ می‌شود و روی میز من می‌آید، تمام خستگی‌ها از تنمان
درمی‌رود. از همه شما خیلی ممنون و متشرکم». در پایان مراسم نکوداشت، کیک ۸۴ سالگی مؤسسه سحاب کام
همه شرکت‌کنندگان را شیرین کرد.